

پرس و سؤال

دوستان شرح پیشانی من گوش کنید. قصه بی سروسامانی من گوش کنید که دیگر جان ما و شما به لب رسید و می دانم چقدر منتظر عقل کل بوده اید که جواب شماها را بدهم. خب دوستان خوشحال باشید که بنده در کمال عقل در حضور شما هستم.

سامان ۱۷ ساله از اصفهان پرسیده است، چرا کتاب نمی خوانیم؟!



در این زمینه بنده به شدت مایل هستم کاسه کوزه ها را سر این و آن خورد کنم و در نهایت به این نتیجه برسم که نمی گذارند مردم کتابخوانی باشیم. اما متأسفانه این بار مجبورم همراه یک سوزن نیمی از جوالدوز را هم به خودمان بزنم بلکه تکانی بخوریم. البته از آنجا که این طور حق مطلب ادا نمی شود، انتقادی هم به دوستان ناشر داریم از قیمت بالای کتاب ها. کتاب کالای فرهنگی است و قیمت ندارد اما شماها بامادر عالم همسایگی حساب کنید همین چند کوچه پایین تر هستیم. شما که می دانید اخبار شرق و غرب عالم طبیعت و ورای آن همیشه پر شال من است و اتفاقا یکی از خبرهای دست اول مربوط به کتاب می شود. جایزه نوبل ادبیات!

از خدا که پنهان نیست از شما هم پنهان نباشد، این بار قرار بود جایزه نوبل ادبیات را به ما بدهند ولی برای حفظ جان مان و همان داستان ها که همه می دانید جایزه نوبل امسال را به خواهر عزیزم خانم هان کانگ دادند. ایشان هم چند خطی برای فرهنگ کتابخوانی گفته اند و مثل ما کاسه کوزه ها را سر خودمان ریخته اند. گفته اند از همان کودکی با کتاب آشنا بوده ام و انتخاب کرده ام که در دنیای کتاب ها سیر و سفر کنم.

اگر از همان اول کودکی با کتاب آشنا شده بودیم و کتاب را به کپشن های دوسه خطی اینستاگرام ترجیح نداده بودیم، حالا کارمان به اینجا نمی کشید که اخبار نوبل در میان شنیده ها گم شود. خبرهای دست چندم خاله خانجایی های دیار ما بیشتر دهان به دهان می چرخد.

ای کاش خانم هان هم دختر خاله معصومه خانم بود. این طور بیشتر به آن توجه می شد. حتی شاید از روی آن حس کنجکاوی ببینیم فلانی چکار می کند، چند خطی کتاب می خواندیم.

شیدا از استان مرکزی نوشته است، ما پیر شدیم اما بالاخره سازمان سنجش نتایج را اعلام کرد.



بله، بالاخره این سازمان بزرگوار که نمی توانم بگویم چقدر دای دانش آموزان پشت سرش است نتایج را اعلام کرد. البته که ما هم امسال در کنکور شرکت کرده بودیم و پایه پای شما یک بار دیگر پیر شدیم تا نتایج اعلام شود.

حالا امیدواریم شیدای عزیز یک جای خوب قبول شده باشند ولی ما که راضی نبودیم، صفحه را که باز کردیم، دیدیم نوشته است مردود. آقا من نمی دانم چه چیزی است که ما هرسال همین دانشگاه قبول می شویم. اصلا دانشگاه جالبی نیست. هم راهش دور است هم آب و هوایش بد است. اصلا آن قدر آب و هوایش بد است که هیچ کلاسی تشکیل داده نمی شود.

البته پادام هست سال های دبیرستان مدیر و معاون عزیز عرض می کردند که برای عقل کل ها بهترین دانشگاه همان مردود است. حتی چندباری شخصا اعلام کردند شما که با این اوضاع حتما مردود خواهید شد.

اما از خاطرات بی سرتوبی پایه و اساس عقل کل که بگذریم در هر موقعیتی همیشه حق را به شما بچه های کنکوری می دهم. نقل است از آن روزها که ما هنوز عقل کل نشده بودیم حاجب نامی بین مردم و دربار میانداز بوده است و هر چند وقت یک بار در تصمیم های اساسی و مهم صدای فریادش آسمان را برمی داشته که والا حضرت، بزرگ اشتباهی است که شما را افتاده است و این راه و رسم نباشد. من هم حاجب میان شما و سازمان سنجش هستم. هر چند وقت یک بار فریادم به آسمان می رسد که آقایان چکار می کنید اما متأسفانه با یک لبخند زکوند از مونالیزای فیکه که چین زده باشد، نگاه می کنند و می گویند عزیز دل داد و فریاد نکن که ما گوش شنوا نداریم.

سلام عقل کل جان. خبر دوستی ۲۰ ساله یک انسان با ببر کور را شنیده ای؟!



آدم مگر مغز همان بزرگوار را خورده باشد که با ببر کور طرح دوستی بریزد. نکند فکر کنید ببر بودن باعث شده ما ایشان را مورد قضاوت قرار بدهیم ها. نه. اتفاقا این روزها دوستی با گریه سانان بسیار رواج دارد. مثلاً همین پارک سر خیابان ما نمایشگاه گریه سانان است. رنگ ها و طرح های مختلف. فقط کافی است فکر کنید آدم ها برای شما کافی نیستند یا زبان شما را نمی فهمند پس چه فکری بهتر از دوستی با یک گریه. هم نازنازی است هم لوس آدم می شود و تنها مشکلش این است که تک می رود چرخ در پارک می زند. هفت تایی برمی گردد. اما باز هم جذابیت های مخصوص به خود را دارد.

حالا می رویم سراغ این که ببر نازنین ما کور هستند. البته که ما اگر این واژه را التزامی بگیریم. خواستم بگویم قواعد عقل و منطق می دانم بالاخره آدم هرجا بشود از مفاخره استفاده می کند. خلاصه عرض بنده این است که خیلی هاما کور هستیم، پس به ببر بیچاره ایرادی نگیریم. مثلاً باز هم از آن پارک سر خیابان مان بگویم که خود به تنهایی عجایب هفتگانه است. شما آنجا یک آدم بینا پیدا نمی کنید عزیزان. رد جازو از پیاده روهای پارک پاک نشده دوباره زباله ها پیاده رو را فرش کرده اند. آخر آدم ببر کور باشد بهتر از این است که... البته بنده کظم غیظ می کنم چون آدم های باشخصیتی این متن را می خوانند و جای آن است که آدم عفت کلامش را در هر موقعیتی حفظ کند. مبادا فکر کنید عقل کل عقل کلام نیست و قواعد زبانی را نمی داند.

دیاکوه ۱۵ ساله از ایلام برای ما نوشته است، چرا خودتان را راحت نمی کنید. به جای این که بگویید زنگ ورزش، بگویید کلاس های جبرانی معلم ریاضی.



ببین جانم، بنده خیلی دوست دارم شرح مفصلی از کلاس های ورزش بگویم اما ما هم در مدرسه ای مثل مدرسه شما درس خوانده ایم و از حق نگذریم من دقیقه نودی اگر همین زنگ های ورزش نبود کلاس اول را چهار بار خوانده بودم. یعنی می خواهم بگویم برای ماکه کارهای مان را می گذاریم سر صبر و حوصله انجام بدهیم و حاجی هفتصدسال هستیم، این زنگ های ورزش آن قدرها هم چیز بدی نیست. اما عیب های آن به منفعتش نمی ارزد، همه از آن بچه ها نیستند که کلاس اسکیت، اسکی، فوتبال و تیراندازی بروند تا استعداد سنجی کنند و دست آخر با پول بابای شان مستقل شوند. همه نمی توانند دوچرخه قسطی بخرند از پدرشان و ماهی هزار تومان قسط بدهند. بعضی ها معمولی هستند و همین معلم ها باید دست شان را بگیرند. بی هوا یک جایی بگویند ماشاء... پسر چقدر گلر خوبی هستی یا بی هوا دستی روی شانه کسی بیاید و بگوید دختر تو بهترین تیرانداز می شوی. مدال المپیک سال بعد برای توست. نهایتاً می خواهم بگویم داستان مفصلی است که سرتو نه ندارد. شاید هم معلم های ریاضی یک معجزه ای مخصوص به خود دارند که تمام معلم های دیگر را مسخ می کنند و زنگ تمام کلاس ها را برای خودشان بگیرند. اگر دقت کرده باشید همیشه خدا هم درس شان عقب است.

برگ سبز و برگ کمپانی موتورسیکلت یاجاج پالس
NS150 مدل ۱۳۹۵ رنگ مشکی به شماره پلاک
۱۴۹۱ ایران ۲۴۴۸۲ و شماره موتور JEZCFJ77234
و شماره تنه 150H9540144 NSP*** به نام
کامییز ضابطیان مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سازمان آگهی ها روزنامه جام جم
۴۹۱۰۵۰۰۰
daneshpayam.agahi@gmail.com

سرکار خانم نجمه قربانی سرتوئی ابواب جمعی آموزش و پرورش ناحیه یک رشت، ابلاغ اتهام به شماره ۲۰/۵/۱۶۵۸ مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۱۴ از هیات بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان آموزش و پرورش گیلان صادر شده است. از تاریخ نشر آگهی به مدت ۱۰ روز به شما مهلت داده می شود جهت دریافت ابلاغ اتهام به امور اداری آموزش و پرورش ناحیه یک رشت (اتاق ۳) مراجعه نمایید، در غیر این صورت برابر مقررات رفتار خواهد شد.

جابر دادفر
مدیر آموزش و پرورش ناحیه یک رشت

برگ سبز و برگ کمپانی موتورسیکلت یاجاج پالس
NS150 مدل ۱۳۹۵ رنگ مشکی به شماره پلاک
۱۴۹۱ ایران ۲۴۴۸۲ و شماره موتور JEZCFJ77234
و شماره تنه 150H9540144 NSP*** به نام
کامییز ضابطیان مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.